

بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات

کالاهای ICT در کشورهای منتخب در حال توسعه

(رویکرد داده‌های تابلویی)

دکتر زهره جمشیدی^۱، دکتر جعفر کمری^۲، محدثه عمادی سیوکی^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی طی سالهای ۲۰۱۱-۲۰۰۰ مبتنی بر مدل بات می باشد. بطوریکه پس ارائه مبانی نظری و پیشینه مرتبط، در این تحقیق، دو متغیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی حقیقی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و تأثیر این متغیرها بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات کشورهای منتخب در حال توسعه دارای بالاترین حجم تجارت خارجی در این نوع کالاها با ایران به روش سرشماری (شامل کشورهای چین، جمهوری کره، ترکیه، هند، پاکستان، تایلند، آذربایجان، ارمنستان، مالزی و ایران) مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی حقیقی و جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، مثبت و معنادار بوده است.

کلید واژه‌ها: جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات کالاهای فناوری اطلاعات

و ارتباطات، تولید ناخالص داخلی حقیقی

^۱ استادیار گروه اقتصاد و عضو هیات علمی مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند واحد تهران، تهران، ایران

^۲ دکتری اقتصاد، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند واحد تهران، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، مؤسسه آموزش عالی ارشاد دماوند واحد تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

مقدمه:

امروزه بسیاری از کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه، جهت نیل به توسعه اقتصادی، تلاش بسیاری را معطوف می‌نمایند و با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی می‌کوشند تا اشتغال کامل و رشد اقتصادی مستمر خود را از کانال سرمایه‌گذاری تأمین نمایند. بنابراین، چنین کشورهایی برای رشد اقتصادی به انباشت سرمایه به مفهوم وسیع آن نیازمند هستند. مشکل موجود در کشورهای در حال توسعه این است که در آنها به دلایل مختلف، منابع کافی برای سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه وجود ندارد. لذا یکی از منابعی که می‌تواند کمبود منابع لازم برای انباشت سرمایه را تأمین کند، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است. از این حیث، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از بین انواع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به دلیل مزیت‌هایی که دارد می‌تواند منبع بهتری برای انباشت سرمایه و به دنبال آن ارتقاء رشد اقتصادی باشد. این مزیت‌ها شامل انتقال فناوری، انتقال شیوه‌های مدیریتی، بازاریابی نوین، اتصال به بازارهای بین‌المللی و ... است.

از طرفی سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند اثرات بسیار زیادی در بخش‌های مختلف اقتصادی هر کشور داشته باشد که تأثیر بر تراز تجاری کشورها، یکی از این حوزه‌های اثرگذار است. بطوری که، در اکثر کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان محرک مهم برای توسعه بخش صادرات در نظر گرفته می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اکثر مواقع باعث افزایش و رشد صادرات می‌شود و این استراتژی (توسعه صادرات) نسبت به سایر ابزارهای رشد صادراتی (که با محدودیت‌های توافقی‌های تجارت بین‌الملل و عدم مؤثر بودن مواجه اند) بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های تجاری باعث کاهش کسری درآمد از طریق افزایش صادرات می‌شود، در حالی که جریان قابل توجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های غیر تجاری باعث کاهش درآمد از طریق افزایش واردات و تقویت تقاضای داخلی می‌شود (مهدوی عادل، کاظمی و فیض محمدی، ۱۳۹۱). لذا به نظر می‌رسد بررسی ارتباط و نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات بسیار مهم بوده و نتایج آن می‌تواند کمک شایانی به تصمیم‌گیران اقتصادی و به تبع آن جذب سرمایه‌های خارجی نماید. با توجه به اهمیت این موضوع، این پژوهش درصدد آن است که به بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای منتخب در حال توسعه (چین، جمهوری کره، ترکیه، هند، پاکستان، تایلند، آذربایجان، ارمنستان، مالزی و ایران) بپردازد.

مبانی نظری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

تعاریف مختلفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد. بانک جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به معنی داشتن حداقل ۱۰ درصد سهام با حق رأی در یک فعالیت سودآور در خارج از کشور سرمایه‌گذار خارجی می‌داند که می‌تواند به صورت سرمایه‌گذاری جدید، سرمایه‌گذاری مجدد، از محل درآمدها و هرگونه قرارداد میان شرکت مادر و بنگاه خارجی مطابق با آنچه در تراز پرداخت‌ها آمده است، باشد (مهدوی عادل، حسین زاده و جوادی، ۱۳۸۷). از نظر کنفرانس تحقیقات و توسعه سازمان ملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلند مدت بوده و نشاندهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) می‌باشد (آنکتاد، ۲۰۰۹).

تادورا و اسمیت (۲۰۰۹) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فرآیندی می‌دانند که به موجب آن یک شرکت فعالیت‌های تولیدی را در بیش از یک کشور هدایت و کنترل می‌کند (اولیس و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا اواسط دهه‌ی ۸۰ میلادی با روندی کند در حال افزایش بوده است. در این دوران عمده جریان بازرگانی بین‌المللی به صورت تجارت کالا و خدمات صورت می‌گرفت. با شروع فرآیند کاهش مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، خصوصی‌سازی و آغاز سیاست‌های آزادسازی در آمریکا و انگلیس و به تبع آن در بسیاری از کشورها و از بین رفتن بسیاری از موانع موجود در برابر حرکت بین‌المللی سرمایه و بین‌المللی شدن بازارهای مالی دنیا، روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رشد سریعی را آغاز کرد. مقدار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ به بیش از ۱۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده است و حتی مواردی مانند بحران جنوب شرقی آسیا نیز، نتوانست از سرعت رشد آن بکاهد. تحقیقات نشان می‌دهد، این روند از سال ۲۰۰۱ به این سو روند نزولی به خود گرفته است. حملات یازده سپتامبر، کاهش رشد اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا و کاهش ارزش دلار از جمله مهمترین عوامل موثر بر این موضوع عنوان شده است.

^۱ Olise et al

جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۳، پس از کاهش گسترده ۴۱ درصد در سال ۲۰۰۱ (از ۱,۴ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به ۸۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱) و ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۲ (به ۶۷۹ میلیارد دلار) به میزان ۱۸ درصد کاهش یافت و به ۵۶۰ میلیارد دلار رسید اما جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۳ به میزان ۳ درصد رشد داشته است و به ۶۱۲ میلیارد دلار رسیده است (آنکتاد، ۲۰۰۴). با فروکش کردن تأثیر روانی حملات یازده سپتامبر و بازگشت آرامش به بازار سرمایه بین‌المللی شاهد افزایش مجدد جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان بودیم. در واقع سرمایه‌گذاری خارجی در سطح جهان چرخه‌ی رونق خود را از سال ۲۰۰۳ آغاز کرد. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان، در سال ۲۰۰۴، بدنبال رکودهای بزرگ سه سال قبل، به میزان ۶۴۸ میلیارد رسید که نسبت به سال ۲۰۰۳ افزایش چندانی نداشته است (آنکتاد، ۲۰۰۵). لکن، جریانات ورودی نیز در کل جهان با ۹۱۲۰۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ روند رو به رشدی را نشان می‌دهد. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی در سال ۲۰۰۵ نیز ۲۹ درصد نسبت به سال ۲۰۰۴ رشد داشته و به ۹۱۶ میلیارد دلار رسیده است. از طرفی جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای توسعه یافته در سال ۲۰۰۵ با ۳۷ درصد رشد ۵۴۲ میلیارد دلار می‌باشد که توزیع این جریان بین کشورهای توسعه یافته متفاوت می‌باشد، به گونه‌ای که اروپا ۴۳۳ میلیارد دلار، آمریکای شمالی ۱۳۳ میلیارد دلار و سایر کشورهای توسعه یافته ۲۴- میلیارد دلار را به خود اختصاص داده‌اند. از طرفی، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه نیز با ۲۲ درصد افزایش به ۳۳۴ میلیارد دلار رسیده است. توزیع جهانی ورود سرمایه بین کشورهای در حال توسعه نیز تا حدودی ناهمسان است، به عنوان مثال کشورهای آسیایی ۲۰۰ میلیارد دلار، کشورهای آفریقایی ۳۱ میلیارد دلار، آمریکای لاتین و حوزه‌ی کارائیب ۱۰۳ میلیارد دلار و اقیانوسیه ۳۹۷ میلیون دلار جریانات ورودی را به خود اختصاص داده‌اند. جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی نیز ۴ درصد کاهش داشته و به ۷۷۹ میلیارد دلار رسیده است. جریان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای توسعه یافته در سال ۲۰۰۵ با ۵ درصد کاهش نسبت به سال ۲۰۰۴ به ۶۴۶ میلیارد دلار و جریان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای در حال توسعه با ۳ درصد افزایش به ۱۱۷ میلیارد دلار رسیده است (آنکتاد، ۲۰۰۶).

از طرفی جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی در سال ۲۰۰۶ برای سومین سال متوالی رشد داشته و به ۱۳۶۰ میلیارد دلار رسیده است و سه گروه کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه

و اقتصادهای در حال گذار در سال ۲۰۰۶ به رشد خود ادامه داده‌اند. در این میان بررسی‌ها نشان می‌دهد، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای توسعه یافته در سال ۲۰۰۶، به میزان ۴۵ درصد بیشتر از نرخ رشد دو سال قبل افزایش یافته و به ۸۵۷ میلیارد دلار رسیده است، و توزیع این جریان در میان این کشورها بگونه‌ای است که کشورهای اروپایی ۵۶۶ میلیارد دلار، آمریکای شمالی ۲۴۴ میلیارد دلار و سایر کشورهای توسعه یافته ۴۷ میلیارد دلار به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه با ۲۱ درصد رشد به ۳۷۹ میلیارد دلار رسیده است و سهم کشورهای آسیایی از توزیع این جریان، ۲۵۹ میلیارد دلار، کشورهای آفریقایی ۳۶ میلیارد دلار، آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب ۸۴ میلیارد دلار و اقیانوسیه ۳۳۹ میلیون دلار می‌باشد. اقتصادهای در حال گذار نیز ۶۸ درصد (۶۹ میلیارد دلار) نسبت به سال ۲۰۰۵ رشد داشته‌اند (انکتاد۲۰۰۷). متعاقب وقوع بحران مالی و اقتصادی جهان در اواخر سال ۲۰۰۷ و اوایل ۲۰۰۸ آثار منفی بحران با تأخیری یکساله منجر به کاهش چشمگیر حجم جریان سرمایه‌گذاری خارجی گردید و رکورد بیش از ۲۰۰۰ میلیارد دلاری جریان سرمایه‌گذاری جهانی در سال ۲۰۰۷، در سال ۲۰۰۹ با کاهش ۴۰ درصدی قریب به ۱۲۰۰ میلیارد دلار بالغ گردید. در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ این روند تغییر کرد و حجم سرمایه‌گذاری خارجی رو به افزایش و بهبود گذاشت (علیشیری و شمس عراقی، ۱۳۹۲).

در سال ۲۰۰۸ میلادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای توسعه یافته و صنعتی جهان بیشتر از ۳۳ درصد نسبت به سال قبل از آن کاهش یافت در حالی که نرخ کاهش سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه نسبت به سال قبل ۱۵ درصد بوده است و بعد از آن تا سال ۲۰۱۱ روند یکسانی داشته است. روند افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهانی که از سال ۲۰۱۰ آغاز شده بود در سال ۲۰۱۱ به رغم آشفتگی اقتصاد جهانی ادامه یافت. به طوری که با نرخ رشدی معادل ۱۶ درصد از ۱۳۰۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۱۵۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. البته این مقدار هنوز ۲۳ درصد کمتر از حداکثر آن در سال ۲۰۰۷ می‌باشد.

در سال ۲۰۱۱ جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هر سه گروه کشورها (کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار) از رشد مثبتی برخوردار بوده است. به طوری که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای توسعه یافته با ۲۱ درصد افزایش به ۸۸۰ میلیارد دلار رسیده است، و توزیع جریان ورودی بین این کشورها بگونه‌ای است که کشورهای اروپایی ۵۳۹ میلیارد دلار، آمریکای شمالی ۲۶۳ میلیارد دلار و سایر کشورهای توسعه یافته ۷۸ میلیارد دلار به خود اختصاص داده‌اند. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه با ۱۱ درصد افزایش به

سطح ۷۲۵ میلیارد دلار با توزیع، کشورهای آسیایی ۴۳۱ میلیارد دلار، کشورهای آفریقایی ۴۸ میلیارد دلار، آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب ۲۴۴ میلیارد دلار و اقیانوسیه ۲ میلیارد دلار رسیده است. و در کشورهای در حال گذار نیز این جریان با ۲۵ درصد افزایش به ۹۲ میلیارد دلار رسیده است. میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط سه گروه کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار در سال ۲۰۱۱ به ترتیب با رشد ۲۰، ۱۱ و ۲۶ درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شده است (جدول ۱).

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود، جریان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای توسعه یافته در سال ۲۰۱۱، ۱۲۱۶ میلیارد دلار می باشد و توزیع جریان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این منطقه بگونه ای است که کشورهای اروپایی ۶۵۳ میلیارد دلار، آمریکای شمالی ۴۳۹ میلیارد دلار و سایر کشورهای توسعه یافته ۱۲۴ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده اند. و جریان خروج سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۱، ۴۲۳ میلیارد دلار می باشد و سهم کشورهای آسیایی از این جریان، ۳۰۴ میلیارد دلار است که به تفکیک مناطق شامل، شرق و جنوب شرقی آسیا ۲۷۰ میلیارد دلار، آسیای جنوبی ۱۲ میلیارد دلار و آسیای غربی ۲۲ میلیارد دلار می باشند. کشورهای آفریقایی نیز ۷ میلیارد دلار، آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب ۱۱۱ میلیارد دلار و اقیانوسیه ۱ میلیارد دلار از این جریان را در اختیار دارند.

بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای ICT... ۱۳۹

جدول ۱: جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بر اساس منطقه، ۲۰۱۱-۲۰۱۳ (میلیارد دلار و درصد)

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی خروجی			سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی			منطقه
۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	
۱۴۱۱	۱۳۴۷	۱۷۱۲	۱۴۵۲	۱۳۳۰	۱۷۰۰	جهان
۸۵۷	۸۵۳	۱۲۱۶	۵۶۶	۵۱۷	۸۸۰	کشورهای توسعه یافته
۳۲۹	۲۹۹	۶۵۳	۲۵۱	۲۴۴	۵۳۹	اروپا
۳۸۱	۴۲۲	۴۲۹	۲۵۰	۲۰۴	۲۶۳	آمریکای شمالی
۱۴۸	۱۳۱	۱۲۴	۶۵	۶۹	۷۸	سایر کشورهای توسعه یافته
۴۵۴	۴۴۰	۴۲۳	۷۷۸	۷۲۹	۷۲۵	کشورهای درحال توسعه
۱۲	۱۲	۷	۵۷	۵۵	۴۸	آفریقا
۳۲۶	۳۰۲	۳۰۴	۴۲۶	۴۱۵	۴۳۱	آسیا
۲۹۳	۲۷۴	۲۷۰	۳۴۷	۳۳۴	۳۳۳	شرق و جنوب شرقی آسیا
۲	۹	۱۲	۳۶	۳۲	۴۴	آسیای جنوبی
۳۱	۱۹	۲۲	۴۴	۴۸	۵۳	آسیای غربی
۱۱۵	۱۲۴	۱۱۱	۲۹۲	۲۵۶	۲۴۴	آمریکای لاتین و کارائیب
۱	۲	۱	۳	۳	۲	اقیانوسیه
۹۹	۵۴	۷۳	۱۰۸	۸۴	۹۵	کشورهای درحال گذار
درصد سهم از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان						
۶۰٫۸	۶۳٫۳	۷۱٫۰	۳۹٫۰	۳۸٫۸	۵۱٫۸	کشورهای توسعه یافته
۱۷٫۸	۱۷٫۷	۳۴٫۲	۱۷٫۰	۱۶٫۲	۲۸٫۸	اتحادیه اروپا
۲۷٫۰	۳۱٫۴	۲۵٫۶	۱۷٫۲	۱۵٫۳	۱۵٫۵	آمریکای شمالی
۳۲٫۲	۳۲٫۷	۲۴٫۷	۵۲٫۶	۵۴٫۸	۴۲٫۶	کشورهای درحال توسعه
۰٫۹	۰٫۹	۰٫۴	۳٫۹	۴٫۱	۲٫۸	آفریقا
۲۳٫۱	۲۲٫۴	۱۷٫۸	۲۹٫۴	۳۱٫۲	۲۵٫۳	آسیا
۲۰٫۷	۲۰٫۳	۱۵٫۸	۲۳٫۹	۲۵٫۱	۱۹٫۶	شرق و جنوب شرقی آسیا
۰٫۲	۰٫۷	۰٫۸	۲٫۴	۲٫۴	۲٫۶	آسیای جنوبی
۲٫۲	۱٫۴	۱٫۳	۳٫۰	۳٫۶	۳٫۱	آسیای غربی
۸٫۱	۹٫۲	۶٫۵	۲۰٫۱	۱۹٫۲	۱۴٫۳	آمریکای لاتین و کارائیب
۰٫۱	۰٫۱	۰٫۱	۰٫۲	۰٫۲	۰٫۱	اقیانوسیه
۷٫۰	۴٫۰	۴٫۳	۷٫۴	۶٫۳	۵٫۶	کشورهای درحال گذار

منبع: آنکتاد، ۲۰۱۴

سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهانی در سال ۲۰۱۲ معادل ۱,۳۵ هزار میلیارد دلار بود که نسبت به سال ۲۰۱۱، ۱۸ درصد کاهش یافته است. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای توسعه یافته در سال ۲۰۱۲، ۵۱۷ میلیارد دلار می باشد که در میان این کشورها، اروپا ۲۴۴ میلیارد دلار، آمریکای شمالی ۲۰۴ میلیارد دلار و سایر کشورهای توسعه یافته ۶۹ میلیارد دلار به خود اختصاص داده اند. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی از این کشورها نیز ۸۵۳ میلیارد دلار است که سهم کشورهای اروپایی ۲۹۹ میلیارد دلار، آمریکای شمالی ۴۲۲ میلیارد دلار و سایر کشورهای توسعه یافته ۱۳۱ میلیارد دلار می باشد. ولی از طرفی ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه ۷۲۹ میلیارد دلار می باشد که سهم کشورهای آسیایی از این جریان ۴۱۵ میلیارد دلار است و به تفکیک مناطق شامل، شرق و جنوب شرقی آسیا ۳۳۴ میلیارد دلار، آسیای جنوبی ۳۲ میلیارد دلار و آسیای غربی ۴۸ میلیارد دلار است. سهم کشورهای آفریقایی نیز ۵۵ میلیارد دلار، آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب ۲۵۶ میلیارد دلار و اقیانوسیه ۳ میلیارد دلار می باشد. همچنین خروج سرمایه گذاری مستقیم خارجی از این کشورها ۴۴۰ میلیارد دلار می باشد که سهم کشورهای آسیایی ۳۰۲ میلیارد دلار است و به تفکیک مناطق شامل، شرق و جنوب شرقی آسیا ۲۷۴ میلیارد دلار، آسیای جنوبی ۹ میلیارد دلار و آسیای غربی ۱۹ میلیارد دلار می باشد. همچنین سهم کشورهای آفریقایی از این جریانات خروجی ۱۲ میلیارد دلار، آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب ۱۲۴ میلیارد دلار و اقیانوسیه ۲ میلیارد دلار می باشد. کشورهای در حال گذار نیز با ۸۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی و ۵۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی خروجی با کاهش در این سال نسبت به سال ۲۰۱۱ مواجه هستند.

در سال ۲۰۱۳، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان ۱۴۵۲ میلیارد دلار بوده است که از این میزان سهم کشورهای در حال توسعه ۵۳,۶ درصد می باشد. همچنین در میان مناطق در حال توسعه، کشورهای آسیایی ۲۹,۴ درصد، کشورهای آفریقایی ۳,۹ درصد و آمریکای لاتین و حوزه ی کارائیب ۲۰,۱ درصد و اقیانوسیه ۰,۲ درصد از کل جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان را به خود اختصاص داده اند. و این در حالی است که جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای توسعه یافته ۳۹ درصد جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان است که در میان این مناطق اتحادیه اروپا ۱۷ درصد و آمریکای شمالی ۱۷,۲ درصد را به خود اختصاص داده اند. ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال گذار نیز ۱۰۸ میلیارد دلار می باشد. از طرفی، جریان خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهان به ۱۴۱۱ میلیارد دلار رسیده است. و کشورهای در حال توسعه ۳۲,۲ درصد و کشورهای توسعه یافته ۶۰,۸ درصد و کشورهای در حال گذار ۷ درصد از این جریان را

به خود اختصاص داده اند. آنکتاد پیش‌بینی کرده است رقم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان در سال ۲۰۱۴ به ۱٫۶ تریلیون دلار افزایش یابد و در سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ترتیب ارقام ۱٫۷۵ تریلیون دلار و ۱٫۸۵ تریلیون دلار را ثبت کند (آنکتاد، ۲۰۱۴).

مرور برخی از نظریات مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

الف) نظریه نرخ‌های بازده متفاوت^۱

بر اساس این نظریه، تفاوت بازدهی سرمایه میان کشورها موجب گردش سرمایه در سطح بین‌المللی می‌شود که در واقع پیامد آن یکسان شدن نرخ‌های بازدهی در نقاط مختلف جهان خواهد بود. در این نظریه فرض ریسک خنثی موجب شده که سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی جانشین کامل همدیگر باشند (موسی، ۲۰۰۲). به بیان دیگر این فرضیه این گونه استدلال می‌شود که جریان سرمایه از کشورهایی با بازدهی کمتر به سمت کشورهای با بازدهی بیشتر انتقال می‌یابد و از این رو به تبع آن، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز از کشوری که دارای بازدهی نهایی مورد انتظار کمتری است، به کشور دیگری با بازدهی نهایی بالاتر حرکت می‌کند. زیرا بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری، بازدهی مورد انتظار را با هزینه نهایی سرمایه برابر می‌کنند (آگراوال^۲، ۱۹۸۱). انتقاداتی بر این نظریه وارد می‌باشد، اول اینکه، در این نظریه به مسائلی نظیر تفاوت در نرخ ارز، تفاوت در نرخ ریسک و تفاوت در شدت نقدینگی پرداخته نشده است (هنارت و پارک^۳، ۱۹۹۴). و دوم اینکه، این نظریه نمی‌تواند دقیقاً عوامل تعیین‌کننده جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را توصیف کند (موریس^۴، ۱۹۹۱).

ب) نظریه ی چرخه حیات محصول^۵

این نظریه توسط ورنون^۶ (۱۹۶۶) مطرح شده است و سپس توسط کومار در دوره زمانی ۱۹۸۶-۱۹۷۹ توسعه یافت. ورنون در تئوری چرخه حیات محصول، مشغولیت شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان یک حرکت واکنشی در جهت حفظ شرکت در موضع رقابتی مطرح می‌کند.

^۱ Differential Rates Of Return

^۲ Agrawal

^۳ Hennart and Park

^۴ Morris

^۵ Product Cycle

^۶ Vernon

کند. این نظریه بعدها بوسیله سالمون^۱ (۱۹۷۸) به جهت محدودیتش در خصوص صناعی که بسیار نوآور هستند، مورد انتقاد قرار گرفت. ورنون در تئوری چرخه عمر محصول خود نقش مثبت سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی را در ارتقاء صادرات کشور میزبان توضیح می‌دهد. وی بیان می‌کند که تکنولوژی از چهار مرحله ی تولید ابداع، رشد، بلوغ و تنزل عبور می‌کند. در مرحله ابتدایی، شرکتهای چندملیتی میل به تولید برای مصرف کننده داخلی دارند، که با عدم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دیگر همراه است و باقیمانده تولیداتشان را به بازارهای خارجی صادر می‌کنند. در مرحله دوم، هم تولیدات این شرکتهای و هم تقاضا برای آنها افزایش پیدا می‌کند، که شرکتهای چندملیتی شروع به سرمایه گذاری خارجی و سرمایه گذاری‌های مشترک جهت تولید در دیگر کشورهای صنعتی و پیشرفته می‌کنند و مصرف کننده شروع به خرید از تولیدات سایر کشورهای پیشرفته و صنعتی می‌کند. در سومین مرحله یعنی بلوغ، شرکتهای مبدع برای کاهش هزینه‌ها و محافظت خود از الگوبرداری رقبای، تولید محصول را در کشورهای خارجی با هزینه تولید پایین شروع می‌کنند و بخشی از تولیدات را به کشور خود صادر می‌کنند. بنابراین مزیت نسبی در تولید محصول از کشورهای پیشرفته که در ابتدا کالا را تولید کرده بودند به کشوری با نیروی کار نسبتاً ارزان انتقال می‌یابد. این کار ممکن است به صورت سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسط کشور مبتکر در سایر کشورهایی که نیروی کار ارزان در اختیار دارند انجام شود. در آخرین مرحله محصول و تکنولوژی استاندارد می‌شوند و برای مقلدان بومی این امکان فراهم ساخته می‌شود که با استفاده از هزینه کار پایین، یک رقیب بین المللی گردند، این امر منجر به افزایش صادرات کشور میزبان می‌گردد. در این مورد جریان تجارت ممکن است معکوس گردد (سلطان^۲، ۲۰۱۳).

ج) نظریه مکان

بر اساس این نظریه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل برخی از مزیت‌های بازاری و عدم تحرک بعضی از عوامل تولید مانند نیروی کار و منابع طبیعی رخ می‌دهد. عدم مزیت‌های بازاری کشور مبدأ و عدم تحرک عوامل تولید، موجب تفاوت عایدی و هزینه‌های تولید می‌شود که در واقع، می‌توان به آن ویژگیهای مکانی اطلاق کرد (سحابی، قنبری و شفیعی، ۱۳۹۰).

^۱ Solomon

^۲ Sultan

د) نظریه ی روش ترکیبی^۱

دانینگ^۲، ضمن مطالعاتی در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹، با ادغام مزیت مالکیت (تئوری سازمان صنعتی)، مزیت درونی سازی (تئوری درونی سازی) و مزیت موقعیت (نظریه مکانی)، « نظریه ترکیبی » را ارائه نمود. بر طبق این نظریه سرمایه گذاری مستقیم خارجی توسط یک شرکت زمانی صورت می گیرد که سه شرط ذیل تحقق یابند:

اولاً) بنگاه باید از مزیت نسبی نسبت به سایر بنگاه‌های کشور میزبان در مالکیت دارایی‌های غیر مشهود برخوردار باشد (مزیت مالکیت).

ثانیاً) استفاده بنگاه از این مزایا نسبت به فروش یا اجاره آنها به دیگر بنگاه‌ها، سودآورتر باشد (مزیت درونی سازی).

ثالثاً) استفاده از این نوع مزایا به همراه برخی امکانات در کشور میزبان برای بنگاه، باصرفه تر باشد، زیرا در غیر این صورت صادرات به بازارهای خارجی نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی ارجحیت خواهد داشت (مزیت مکانی)

برای انجام سرمایه گذاری مستقیم خارجی باید توأمان هر سه مزیت مکانی، مالکیتی و درونی سازی وجود داشته باشد (رفعت و طیبی، ۱۳۸۹).

ه) نظریه کوچیما^۳

کوچیما به سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان ابزاری برای انتقال تکنولوژی، سرمایه و مهارت‌های مدیریتی از کشور میهمان به کشور میزبان می نگرد. کوچیما طی مطالعاتی به توضیح الگوهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی آمریکا و ژاپن در کشورهای در حال توسعه و پیامد این الگوهای سرمایه گذاری در بسط تجارت بین الملل و رفاه جهانی پرداخته است. براساس فرضیات و عقیده او دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد:

^۱ Eclectic Approach

^۲ Dunning

^۳ Kojima

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سمت گیری تجاری^۱

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضد سمت گیری تجاری^۲

وی، معتقد است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسته به این که دارای سمت گیری تجاری یا ضد تجاری است بر تجارت کشور میزبان تأثیر می‌گذارد. اگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای سمت گیری تجاری باشد، به این معنی که سرمایه‌گذاری در صنایعی که کشور سرمایه‌گذار در آن دارای عدم مزیت نسبی است موجب افزایش و رشد صادرات می‌شود. ولی اگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای سمت گیری ضد تجاری باشد، به این معنی که سرمایه‌گذاری در صنایعی در کشور میزبان که کشور سرمایه‌گذار در آن مزیت نسبی دارد، منجر به رشد و افزایش صادرات نمی‌شود (کوجیما، ۱۹۷۳).

پیشینه تحقیق

سلطان^۳ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان، «ارتباط علی بین جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات: مورد هند»، به بررسی رابطه بین صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هند در طول دوره ۲۰۱۰-۱۹۸۰ می‌پردازد. نتایج آزمون علیت گرنجر بر اساس مدل تصحیح خطای برداری (VECM) نشان می‌دهد که یک رابطه علی یک طرفه از صادرات به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد.

شاوا و شن^۴ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان، «رابطه علیت بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد تولید ناخالص داخلی و صادرات در تانزانیا»، به بررسی روابط علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و رشد تولید ناخالص داخلی در تانزانیا به مدت ۳۳ سال، از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ با استفاده از آزمون علیت گرنجر پرداخته‌اند. نتایج علیت گرنجر نشان می‌دهد که رابطه علی یک طرفه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات وجود دارد. و رابطه علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد تولید ناخالص داخلی وجود ندارد.

^۱ Trade -Oriented

^۲ Anti-Trade Oriented

^۳ Sultan

^۴ Shawa & Shen

بات^۱ (۲۰۱۳)، در مقاله ای تحت عنوان، « رابطه علی بین صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درآمد: مورد مطالعه از ویتنام»، به بررسی تجارت خارجی و ابعاد سرمایه‌گذاری ویتنام در مقایسه با رقبای آن از جمله اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند پرداخته و همچنین، به بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد صادرات طی سالهای ۲۰۰۸-۱۹۹۰ در ویتنام می‌پردازد. به منظور برآورد رابطه بلند مدت بین صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی از مدل VAR استفاده شده است. نتیجه آزمون هم انباشتگی نشان می‌دهد که وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت بین صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و GDP وجود دارد. و همچنین نتایج نشان داده است که ۱٪ افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به ۲۵٪ افزایش در صادرات با وقفه ی یک ساله می‌شود. آزمون علیت گرنجر نشان می‌دهد که رابطه ای یک طرفه بین صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد و جهت آن از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صادرات می‌باشد و به این معنی است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب صادرات می‌شود.

گوسوامی و ساکیا^۲ (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان، « سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ارتباط آن با صادرات در هند، وضعیت و چشم انداز در منطقه شمال شرق» به بررسی ارتباط بین روندهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات ناحیه شمال شرقی کشور هند با مدل اصلاح خطای وکتور (VECM) در دوره‌ی زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۰ پرداختند. نتایج این تحقیق وجود یک رابطه‌ی علی دو سویه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات را نشان می‌دهد.

آنوارا و نگوین^۳ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان، « سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت: موردی از ویتنام»، به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، واردات و تراز تجاری در ویتنام با استفاده از مدل جاذبه پرداختند. تجزیه و تحلیل تجربی ارائه شده در این مقاله، بر اساس مجموعه داده‌های پانل که شامل ۱۹ شریک تجاری ویتنامی برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۷ می‌باشد. این مقاله همچنین تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت را در سه دوره پیش از بحران مالی آسیا، پس از بحران مالی آسیا و در طول بحران مالی آسیا در نظر می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مکملی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات و نیز بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و واردات وجود دارد. در حالی که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تراز تجاری در کل طول دوره ی نمونه ناچیز بوده،

^۱ Bhatt

^۲ Goswami and Saikia

^۳ Anwara and Nguyenb

ولی ارتباطی مثبت و معنادار بین خالص صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوره ی پس از بحران مالی آسیا وجود دارد

در ایران نیز، مهدوی عادل، کاظمی و فیض محمدی (۱۳۹۱)، در مقاله ای تحت عنوان، « بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در ایران (۱۳۵۲ الی ۱۳۸۷) » رابطه بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات (به تفکیک صادرات نفتی، غیر نفتی و کل صادرات) بین سال‌های ۱۳۵۲ الی ۱۳۸۷ و با استفاده از روش همجمعی بررسی کرده اند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه کوتاه مدت مثبت بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات غیر نفتی می باشد در حالی که ارتباط بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات کل و همچنین صادرات نفتی منفی می باشد. در بلند مدت ارتباط بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات کل و همچنین صادرات غیرنفتی منفی و ارتباط سرمایه گذاری مستقیم خارجی و صادرات نفتی مثبت می باشد.

علی نیا (۱۳۹۱)، در پایان نامه خود تحت عنوان، « بررسی اثرات سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، واردات و تراز تجاری ایران با شرکای تجاری اصلی»، به استاد راهنمایی حسین پناهی و احمد اسد زاده در دانشگاه تبریز دفاع گردیده است. به بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، واردات و صادرات خالص ایران با ۱۱ شریک تجاری اصلی برای مقطع زمانی ۱۳۸۷-۱۳۷۳ در قالب مدل جاذبه و به روش GLS پرداخته است. نتایج نشان می دهد متغیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران بر صادرات و خالص صادرات ایران اثر منفی و معنی داری دارد اما اثر این متغیر بر واردات ایران مثبت و معنی دار است و متغیر تولید ناخالص داخلی ایران و همچنین تولید ناخالص داخلی شرکای تجاری ایران اثر مثبت بر صادرات و خالص صادرات دارد.

کازرونی، فشاری، و طاهری (۱۳۸۷)، در مقاله ای تحت عنوان، « رابطه علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و تولید ناخالص داخلی: مطالعه موردی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا» به بررسی رابطه علی بین متغیرهای صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی برای ۱۱ کشور منتخب منطقه خاور میانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵ می پردازند. تکنیک اقتصاد سنجی مورد استفاده در این پژوهش آزمون علیت پانل بوده و علیت در قالب مدل خودرگرسیون برداری بررسی گردیده است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که بین متغیرهای صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک رابطه علیت یک طرفه از سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صادرات برقرار بوده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز علیت گرنجری تولید ناخالص داخلی

بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای ICT... ۱۴۷

در این گروه کشورها می‌باشد. همچنین نتایج تخمین مدل نشان می‌دهد که هیچ گونه رابطه علی از سوی متغیر صادرات به تولید ناخالص داخلی برقرار نبوده و صرفاً رابطه علی از سوی تولید ناخالص داخلی به صادرات می‌باشد.

تقوی، مهدی و نعمتی زاده، سینا (۱۳۸۳)، در مقاله ای تحت عنوان، «اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران» به بررسی اثر متغیرهایی مانند نرخ ارز، تورم و تولید ناخالص داخلی بر صادرات غیر نفتی پرداختند. دوره ی زمانی تحقیق ۸۰-۱۳۵۰ بوده و از روش VAR و OLS استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهند که تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی اثر مستقیم داشته است و نرخ تورم بر صادرات غیر نفتی تقریباً بی اثر بوده است.

روش شناسی تحقیق

روش انجام این تحقیق برحسب هدف، از نوع کاربردی و توسعه ای و برحسب نوع داده‌ها از نوع توصیفی یا غیر آزمایشی بوده و از حیث نحوه اجرا از نوع همبستگی می‌باشد.

مدل و متغیرهای تحقیق

در این تحقیق، متغیرهای مستقل و وابسته در قالب مدل کلی ذیل که برگرفته از مدل بات^۱ (۲۰۱۳) می باشد، مورد بررسی قرار می گیرند. بطوریکه متغیرهای مستقل، شامل متغیرهای جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی حقیقی می باشند. متغیر وابسته نیز صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در طول سالهای ۲۰۱۱-۲۰۰۰ می باشد. بنابراین با توجه به مدل تحقیق (مبتنی بر داده‌های تابلویی) داریم:

$$EXPICT_{it} = \alpha + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \varepsilon_{it}$$

بطوریکه داریم:

$EXPICT_{it}$: صادرات کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات برای مقطع i ام در سال t ام
 GDP_{it} : تولید ناخالص داخلی حقیقی برای مقطع i ام در سال t ام

^۱ Bhatt

FDI_{it} : جریان خالص ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای مقطع i ام در سال t ام ε_{it} : جمله خطا برای مقطع i ام در سال t ام

α : عرض از مبدأ

البته لازم به ذکر است که مدل منتخب پس از آزمونهای F لیمر وهاسمن در نرم افزار EViews آنالیز خواهد شد.

فرضیه‌های تحقیق:

با توجه به نتایج بدست آمده از پیشینه تحقیق، فرضیه‌های تدوین شده این تحقیق عبارتند است از:

فرضیه اول: تولید ناخالص داخلی حقیقی (GDP) بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات کشورهای منتخب در حال توسعه تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات کشورهای منتخب در حال توسعه تأثیر معناداری دارد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

کشورهای منتخب در حال توسعه (چین، جمهوری کره، ترکیه، هند، پاکستان، تایلند، آذربایجان، ارمنستان، مالزی و ایران) در دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۰ به عنوان جامعه آماری مدنظر قرار گرفته‌اند.

روش گردآوری داده‌ها

در این تحقیق داده‌های مربوط به جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تولید ناخالص داخلی حقیقی و صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات (طی سالهای ۲۰۱۱-۲۰۰۰) برای مقاطع (چین، جمهوری کره، ترکیه، هند، پاکستان، تایلند، آذربایجان، ارمنستان، مالزی و ایران) از بخش بانک اطلاعات، سایت بانک جهانی و سایت آنکتاد اخذ شده است.

لازم به ذکر است که روش مورد استفاده در این تحقیق، روش داده‌های تابلویی است و برای برآورد الگو از نرم افزار EViews استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در گام نخست قبل از برآورد مدل برای جلوگیری از رگرسیون کاذب، به بررسی مانایی متغیرهای مدل تحقیق پرداخته می‌شود. برای انجام این آزمون از روش ریشه واحد در داده‌های تابلویی یعنی، آزمون لوین، لین و چو^۱ (LLC)، استفاده گردیده است. فرضیه H_۰ در این آزمون بیانگر وجود ریشه واحد و نامانایی می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد پانلی متغیرهای الگو

متغیر	آزمون LLC
EXP	-۴/۳۷ (۰,۰۰۰۰)*
GDPR	-۳/۶۵ (۰,۰۰۰۱)*
FDI	-۴/۰۶۵ (۰,۰۰۰۰)*

منبع: یافته‌های تحقیق * اعداد داخل پرانتز، مقدار Prob را نشان می‌دهد.

با توجه به جدول ۲ برای متغیرهای EXP، GDPR، FDI، آزمون LLC ریشه واحد انجام شده در سطح (منظور از سطح، همان سری زمانی اصلی بدون تفاضل گیری است) معنادار شده و مانا می‌باشند. بنابراین عدم رگرسیون کاذب مورد تأیید قرار گرفته و با توجه به اینکه متغیرها در سطح مانا می‌باشند نیازی به آزمون هم‌انباشتگی^۲ برای آنها نخواهد بود.

در گام بعد به بررسی ماتریس واریانس_کوواریانس پسماندها می‌پردازیم. بررسی ماتریس واریانس_کوواریانس پسماندها نشان می‌دهد که عناصر روی قطر اصلی ناهمسان و عناصر خارج از قطر اصلی غیرصفر می‌باشد. بنابراین ضمن داشتن واریانس ناهمسانی، به دلیل وجود عناصر پشت پرده یک panel که ظاهراً نامرتب هستند، بین مقاطع همبستگی در همان زمان^۳ ایجاد می‌شود. بنابراین با ملاحظه این شرایط برای رفع ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) و انتخاب گزینه cross-section sur از میان اوزان GLS در نرم افزار برای رفع ناهمسانی واریانس

^۱ Levin, Lin & Cho

^۲ Cointegration

^۳ contemporaneous correlation

و همبستگی پیاپی بین مقاطع استفاده می‌کنیم. و در پایان به منظور آزمون فرضیه‌ها مدل تحقیق را تحت شرایط و حالات مختلف تخمین زده و در هر حالت با انجام آزمونهای مرتبط، مدل مطلوب را انتخاب می‌نمائیم و کلیه تحلیل‌ها و آزمونها را بر مبنای مدل منتخب انجام می‌دهیم.

برای بررسی وجود اثرات فردی از آزمون F لیمر استفاده شده است. در آزمون F لیمر، فرضیه H. بصورت یکسان بودن عرض از مبدأهای تمامی مقاطع (عدم وجود اثرات فردی) تعریف شده است که در صورت رد آن بایستی از مدل اثرات ثابت و در صورت پذیرش آن از روش حداقل مربعات معمولی (ترکیبی) برای برآورد مدل استفاده کرد. در این تحقیق با توجه به جدول ۳ نتایج F لیمر وجود اثرات فردی و لزوم استفاده از داده‌های تابلویی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: خلاصه ی روش آزمون F لیمر

مقدار آماره ی آزمون F	درجه ی آزادی d.f	احتمال prob
۱۶/۹۵	(۹،۱۰۸)	۰،۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، مقدار محاسبه شده آماره F لیمر با توجه به $\text{prob} < ۰،۰۵$ معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر اینکه داده‌ها به صورت ترکیبی هستند رد می‌شود و فرض مقابل که بیانگر مناسب بودن روش FE برای برآورد مدل می‌باشد، پذیرفته می‌شود.

پس از آنکه آزمون F لیمر مشخص ساخت که عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف یکسان نیست در گام بعد باید برای تشخیص بین دو مدل جایگزین یعنی اثرات ثابت و اثرات تصادفی آزمون‌ها سمن انجام شود. در آزمون‌ها سمن فرضیه H. استقلال متغیرهای توضیحی از جزء اخلاص می‌باشد و در صورت رد آن روش اثرات ثابت سازگار و روش اثرات تصادفی ناسازگار می‌باشد، و لزوماً باید از الگوی اثرات ثابت استفاده شود. نتایج این آزمون در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۴: خلاصه ی روش آزمون‌ها سمن

مقدار آماره ی آزمون	درجه ی آزادی d.f	احتمال prob
۶/۰۳۵	۳	۰/۰۴۸۹

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که جدول ۴ نشان می‌دهد آماره محاسباتی با توجه به $\text{prob} < 0,5$ معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه H. رد شده و رویکرد اثرات ثابت به عنوان روش مطلوب جهت تخمین مدل تحقیق مدنظر قرار می‌گیرد.

تخمین مدل منتخب براساس روش اثرات ثابت برای آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این قسمت با توجه به مبحث قبلی مبنی بر انتخاب روش FE، تخمین مدل صورت می‌گیرد. جدول ۶ نتایج مربوط به تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات را در کشورهای درحال توسعه منتخب طی سالهای ۲۰۱۱-۲۰۰۰ را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل از تخمین مدل تحقیق مشخص می‌گردد که با توجه به علامت مثبت برای ضریب GDP حقیقی و نیز prob کوچکتر از $0,05$ می‌توان گفت، متغیر GDP حقیقی که در واقع نشان دهنده اندازه بازار کشور میزبان می‌باشد دارای اثر مثبت و کاملاً معنادار بر متغیر وابسته (صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات) می‌باشد. به طوری که یک درصد افزایش در متغیر GDP حقیقی، توانسته است صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات را به میزان ۲,۱۲ درصد ارتقاء دهد. با توجه به این نتایج می‌توان اذعان نمود که فرضیه اول مبتنی بر اینکه تولید ناخالص داخلی حقیقی تأثیر معناداری بر صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد را می‌توان پذیرفت.

از طرفی برای متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز وضعیت مشابه ای بدست آمده است. به طوری که ملاحظه می‌گردد که علامت ضریب مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز مثبت و کاملاً معنادار است. به طوری که یک درصد افزایش در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث ۶,۲۹ درصد افزایش در صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌شود. در واقع جهت گیری متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه منتخب مدنظر در این تحقیق، به سمت صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد و بیانگر این مطلب است که جذب این نوع سرمایه‌گذاری‌ها توانسته است صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات در این کشورها را افزایش دهد. بنابراین این نتیجه نیز فرضیه سوم مبتنی بر تأثیر معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات را تأیید می‌کند. هم چنین قابل ذکر است که با توجه به بالا بودن آماره F و prob صفر برای معناداری کل رگرسیون می‌توان گفت که مدل مذکور صد در صد دارای معناداری کلی می‌باشد.

نتایج تخمین مدل تحقیق، هم چنین میزان ضریب تعیین (R^2) تعدیل شده معادل ۹۸ درصد و آماره دوربین واتسون به اندازه ۱/۹۹ بیانگر نیکویی برازش بالای مدل و نیز عدم وجود خود همبستگی است.

جدول ۶: تخمین مدل منتخب تحقیق به روش اثرات ثابت برای بررسی اثر متغیرهای تحقیق بر صادرات کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات کشورهای در حال توسعه منتخب

متغیر	ضریب	آماره t	prob
GDP	۲/۱۲	۹/۵۹	*.,۰۰۰۰
FDI	۶/۲۹	۲۵/۴۷	*.,۰۰۰۰
C	۲۱۷۸/۱	۲۱,۹	*.,۰۰۰۰
آماره‌های رگرسیون	$R^2=۹۸/۷$ $R^2=۹۸/۶$ تعدیل شده	DW= ۱/۹۹	F=۷۹۵/۷ Prob=۰.,۰۰۰۰

*سطح معناداری ۵ درصد

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق با بررسی و مرور ادبیات پیشین در زمینه تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و با الهام از مدل بات (۲۰۱۳) با استفاده از روش داده‌های تابلویی دو متغیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی حقیقی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته و تأثیر این متغیرها بر صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج تحقیق بیان کننده آن است که متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی تأثیری مثبت و معنادار بر صادرات کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات دارد. این نتیجه با نتایج برخی تحقیقات مانند، تقوی و نعمتی زاده (۱۳۸۳)، سحابی و همکاران (۱۳۹۰)، علی‌نیا (۱۳۹۱)، آزم^۱ (۲۰۱۳) و کلیپا و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، مبنی بر تأثیر مثبت و معناداری که بر متغیر صادرات سازگار و منطبق می‌باشد. متغیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بر صادرات کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر معنادار داشته که این نتیجه با نتایج برخی تحقیقات مانند، مهدوی عادل و همکاران (۱۳۸۸)، مهرگان و دهقانپور (۱۳۹۰)، گوگردچیان و همکاران (۱۳۸۹)، خوان و ژنگ^۳ (۲۰۰۸)، پراسانا^۴ (۲۰۱۰)، سان^۵ (۲۰۱۲)،

^۱ Azeem

^۲ Clipa

^۳ Xuan and Xing

^۴ Prasanna

^۵ Sun.

بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای ICT... ۱۵۳

بات^۱ (۲۰۱۳)، کلیپا و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، مبنی بر تأثیر مثبت و معناداری که بر متغیر صادرات سازگار و منطبق می‌باشد.

پیشنهادات تحقیق

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها اجازه می‌دهد اقتصاد میزبان محصولات خود را در بازارهای گسترده تر بین المللی ترویج دهد بلکه به عنوان منبع اضافی جهت تأمین بودجه برای سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود. بنابراین باید ارتقاء زمینه‌های جذب سرمایه‌های خارجی از جمله ارتقاء امکانات زیربنایی و زیر ساخت‌های مناسب و برخوردار از استانداردهای جهانی به منظور جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مدنظر دولتهای درحال توسعه منتخب تحقیق قرار گیرد.
- موانع سرمایه‌گذاری برای کمک و حمایت از پروژه‌ها و طرح‌های توسعه‌ای اشتغال آفرین در راستای صادرات کالا و خدمات در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات کشورهای مذکور از جمله ایران رفع گردد. همچنین، با توجه به این موضوع که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر منابع مالی، امکان ورود تکنولوژی و دانش فنی را نیز به کشور فراهم می‌کند برای افزایش کیفیت محصولات صادراتی بخصوص کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز چاره‌ای اساسی باید اتخاذ شود. و از آنجا که فن آوری و پیشرفت فن آوری می‌تواند ماهیت فرآیند تولید و کیفیت محصولات فناوری اطلاعات و ارتباطات را تغییر داده و سبب بهبود توان رقابتی و افزایش صادرات آنها در این کشورها شود. از این رو دولت‌ها باید برای افزایش کیفیت کالاها به مقوله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نگاه مدبرانه‌ای اتخاذ کنند.
- با توجه به تأثیر مثبت و معنادار تولید ناخالص داخلی حقیقی بر صادرات کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش صادرات غیرنفتی (به عنوان نمونه صادرات کالاهای فناوری اطلاعات و ارتباطات) پیشنهاد می‌گردد. از این حیث،

^۱ Bhatt

^۲ Clipa et al

اختصاص سهمی از GDP این کشورها برای توسعه صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد.

منابع

تقوی، مهدی، نعمتی زاده، سینا (۱۳۸۳)، اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳ (پیاپی ۱۴)؛ ۷۱-۹۶.

رفعت، بتول، طیبی، کمیل (۱۳۸۹)، بررسی رابطه تعاملی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و جریان تجاری در ایران (۲۰۰۶-۱۹۷۳)، پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره اول، ۴۱-۵۸.

سحابی، بهرام، قنبری، علی، شفیعی، علی (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با تأکید بر نوسانات نرخ ارز، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۸، شماره ۳، ۲۷-۵۲.

علیشیری، بهروز، شمس عراقی، شراگیم (۱۳۹۲)، تأمین منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی: مبانی، الزامات، اقدامات و دستاوردها، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ویژه نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال یکم، شماره ۲، صفحات ۴۳-۸۴.

علی نیا، زینب (۱۳۹۱)، بررسی اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات، واردات و تراز تجاری ایران با شرکای تجاری اصلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.

کازرونی، علیرضا، فشاری، مجید و طاهری، حسن (۱۳۸۷)، رابطه علی بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و تولید ناخالص داخلی: مطالعه موردی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، علوم مدیریت، شماره ۴، ۲۰۰-۱۸۱.

گوگردچیان، احمد، طیبی، کمیل، امینی، فاطمه (۱۳۸۹)، اثر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تجاری ایران (۸۷-۱۳۷۵)، مجله علمی پژوهشی سیاست گذاری اقتصادی، سال دوم، شماره سوم، ۲۱-۴۰.

بررسی تأثیر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات کالاهای ICT... ۱۵۵

مه‌دوی عادل‌ی، محمدحسین، کاظمی، علی، فیض محمدی، شیرین (۱۳۹۱)، بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات در ایران (۱۳۵۲ الی ۱۳۸۷)، دوفصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، سال نوزدهم، شماره ۳، ۱۷۰-۱۵۱.

مه‌دوی عادل‌ی، محمدحسین، حسین زاده بحرینی، محمدحسین، جوادی، افسانه (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، مجله دانش و توسعه (علمی و پژوهشی)، سال پانزدهم، شماره ۲۴.

مهرگان، نادر، دهقانپور، محمد رضا (۱۳۹۰)، تأثیر تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات صنایع مبتنی بر فناوری برتر در ایران (۸۶-۱۳۶۰)، دانش و فناوری سال اول، شماره ۴، ۷۸-۵۹.

Agrawal, J.P. (۱۹۸۱) Determinants of FDI: a survey; *Weltwirtschaftliches Archive*, vol. ۳۰, PP. ۱۲۶-۱۴۰.

Anwara, S. and Nguyen, L.P. (۲۰۱۱). Foreign direct investment and trade: The case of Vietnam, *Research in International Business and Finance* ۲۵, PP. ۳۹-۵۲.

Azeem, M. (۲۰۱۳), United States of America FDI and trade as complementary or substitute for Pakistan. *African Journal of Business Management*, Vol. ۷(۲۸), pp. ۳۸۵۱-۳۸۵۵.

Bhatt, P.R. (۲۰۱۳). Causal Relationship between Exports, FDI and Income: The Case of Vietnam, *Applied Econometrics and International Development* Vol. ۱۳, ۱۶۱-۱۷۶.

Clipa, F. Clipa, P. Clipa, R.I. Tiganas, C. (۲۰۱۳), The Impact of Foreign Direct Investment Over Romania's Exports, *The USV Annals of Economics and Public Administration*, Volume ۱۳, Issue ۱(۱۷), ۳۳-۴۱.

Dunning, J. H. (۱۹۸۸), The Eclectic Paradigm of International Production: A Restatement and Some Possible Extensions; *Journal of International Business Studies*, Vol. ۱۹, PP ۱-۳۱.

Goswami, Ch.Kanta Saikia, K. (۲۰۱۲). FDI and its relation with exports in India, status and prospect in north east region. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* ۳۷, PP. ۱۲۳ - ۱۳۲.

Hennart, J. and Park Y.R. (۱۹۹۴). Location Governance and Strategic Determinants of Japanese Manufacturing Investment in the US, Strategic Management Journal, Vol. ۱۵, pp. ۴۱۹-۴۳۶.

Kojima, K (۱۹۷۳), "A Macroeconomic Approach to Foreign Direct Investment, Hitotsubashi Journal of Economics ۱۴: ۱-۲۰.

Moosa, I.A. (۲۰۰۲), Foreign Direct Investment: Theory, Evidence and Practice, Palgrave Macmillan

Morris, D. (۱۹۹۱), Determinants and Systemic Consequences of International Capital Flows. Washington D.C. ۲۰۴۳۱, U.S.A, International Monetary Fund Publication services pp. ۶۸-۶۹.

Olise, M.C. Theresa U, A. Moses I,O and Kingsley N,A.(۲۰۱۳), Domestic Investment and Foreign Direct Investment Flows In Nigeria, IOSR Journal Of Humanities And Social Science, Volume ۱۳, Issue ۶, PP ۰۱-۱۲.

Shawa.M.J, Shen.Y.(۲۰۱۳). Causality Relationship between Foreign Direct Investment, GDP Growth and Export for Tanzania, International Journal of Economics and Finance; Vol. ۵, No. ۹.

Prasanna, N (۲۰۱۰). Impact of Foreign Direct Investment on Export Performance in India Soe Science, Vol۲۴ (۱).pp. ۶۵-۷۱.

Sultan, Z.A. (۲۰۱۳). A Causal Relationship between FDI Inflows and Export: The Case of India Journal of Economics and Sustainable Development, Vol.۴, No.۲, PP. ۱-۱۰.

Sun.S. (۲۰۱۲), the role of FDI in domestic exporting: Evidence from China, Journal of Asian Economics, Volume ۲۳, Issue ۴, pp. ۴۳۴-۴۴۱.

Vernon, R. (۱۹۷۹), the Product Cycle Hypothesis in a New International Environment, Oxford Bulletin of Economics and Statistics, Vol. ۴۱, No. ۴.

Xuan, N.T and Xing, Y. (۲۰۰۸), Foreign Direct Investment and Exports: The Experiences of Vietnam. Economics of Transition, Volume ۱۶(۲), pp ۱۸۳-۱۹۷